



Research Article

Identifying the Dimensions of a Wisdom-Based University with a Fifth-Generation Approach in the Universities of Gilan Province

Mazhar Mohammadi Zazeli ¹ , Mohammad Mehdi Amou Soltani Foroushani ²  

1. Ph.D. in Educational Management, Farhangian University (Imam Ali Campus, Gilan).

Email: Mazhar.mohammadi1402@gmail.com

2. Department of Islamic Education, Farhangian University, Tehran, Iran.

Email: Amomahdi@cfu.ac.ir

* Corresponding Author: Amomahdi@cfu.ac.ir

ARTICLE INFO

ABSTRACT

Keywords:

Academic Identity
Academic Adjustment
Learning Empowerment
Students



Received:

01 October 2024

Received in revised form:

03 November 2024

Accepted:

13 November 2024

Published:

21 November 2024

Pp.67-80

Background and Objectives: Academic identity is one of the most important factors affecting students' academic progress. Therefore, the overall goal of the present study was to determine the relationship between academic identity and academic adjustment and learning empowerment of students at Islamic Azad Universities of Behshahr and Neka Branch.

Methodology: This applied research used a descriptive correlational method. Its statistical population consisted of 1172 students of whom 289 people were selected as a statistical sample based on Cochran's formula using a stratified random sampling method according to gender. To collect data, the Academic Identity Questionnaire of Vaz and Isaacson (2008) with 40 questions, the Academic Adaptation Questionnaire of Baker and Seriak (1984) with 24 questions, and the Learning Empowerment Questionnaire with 12 questions were used. The face and content validity of the tools were approved by experts, and their reliability was calculated using Cronbach's alpha coefficient for the Academic Identity Questionnaire of 0.87, the Academic Adaptation Questionnaire of 0.93, and the Learning Empowerment Questionnaire of 0.91. Structural equation tests and Pearson correlation were used to analyze the data.

Results: Academic identity has a positive and significant relationship with academic adjustment and learning empowerment of students at Islamic Azad University, Behshahr and Neka Branch. Also, academic identity (successful and follower) has a positive and significant relationship with academic adjustment and learning empowerment of students, and academic identity (late-comer and confused) has a negative and significant relationship with academic adjustment and learning empowerment of students.

Conclusion: The results showed that the relationship between academic identity and academic adjustment and learning empowerment of students at Islamic Azad University, Behshahr and Neka Branch is positive and significant. Therefore, university administrators and officials should hold briefing and training sessions for university professors and administrators to guide students towards acquiring a successful academic identity.

Citation: Mohammadi Zazeli, M. & Amou Soltani Foroushani, M. M. (2024). Identifying the Dimensions of a Wisdom-Based University with a Fifth-Generation Approach in the Universities of Gilan Province. *Knowledge and Research in New Higher Education*, 1(3), 67–80.

doi <http://10.22034/NHERK.2024.610304.1055>

Authors retain the copyright and full publishing rights. © Authors.

The Article is Published by Alim-e-Noor Publication Center.

This article is an open access article licensed under

The [Creative Commons Attribution 4.0 International](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/) (CC BY 4.0).



مقاله پژوهشی

شناسایی ابعاد دانشگاه حکمت بنیان با رویکرد نسل پنجم در دانشگاه‌های استان گیلان

مظهر محمدی زازلی^۱ ID، محمدمهدی عمو سلطانی فروشانی^۲ ID

۱. دکتری تخصصی مدیریت آموزشی، دانشگاه فرهنگیان پردیس امام علی گیلان

۲. گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

نویسنده مسئول: Amomahdi@cfu.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

واژگان کلیدی:

هویت تحصیلی
سازگاری تحصیلی
توانمندسازی
یادگیری دانشجویان

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۷/۱۰

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۳/۰۸/۱۳

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۸/۲۳

تاریخ انتشار:

۱۴۰۳/۰۹/۱۱

صص. ۶۷-۸۰

زمینه و هدف: دانشگاه‌های نسل پنجم، در کنار آموزش، پژوهش و نوآوری، بر پاسخ‌گویی به مسائل پیچیده جامعه، توسعه پایدار و خلق ارزش عمومی تأکید دارند. دانشگاه حکمت‌بنیان با پیوند دانش و خرد، اخلاق و مسئولیت اجتماعی می‌تواند الگویی برای ارتقای نقش دانشگاه در جامعه باشد. لذا هدف کلی پژوهش حاضر شناسایی ابعاد دانشگاه حکمت بنیان با رویکرد نسل پنجم در دانشگاه‌های استان گیلان است.

روش پژوهش: پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر نوع داده‌ها، آمیخته (کیفی- کمی) از نوع اکتشافی بود که در بخش کیفی از روش گراندد تئوری و در بخش کمی توصیفی- پیمایشی استفاده شد. جامعه آماری آن را در بخش کیفی اساتید و صاحب‌نظران دانشگاهی و مسئولین باسابقه در دانشگاه‌های استان گیلان به تعداد ۲۰ نفر و در بخش کمی، اعضای هیأت علمی، کارکنان آموزشی و اداری دانشگاه‌های استان گیلان به تعداد ۹۰۹۹ نفر تشکیل می‌دادند که در بخش کیفی با استفاده از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند و با در نظر گرفتن قانون اشباع تعداد ۱۰ نفر و در بخش کمی بر اساس فرمول کوکران تعداد ۳۶۹ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای به عنوان نمونه انتخاب شدند. جهت جمع‌آوری داده‌ها در بخش کیفی از مصاحبه نیمه ساختار و در بخش کمی از پرسش‌نامه محقق ساخته با ۷۰ سوال استفاده شد. روایی صوری و محتوایی ابزار مورد تأیید قرار گرفت. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها، از آزمون‌های تحلیل عاملی تأییدی و فریدمن استفاده شد.

یافته‌ها: دانشگاه حکمت‌بنیان با رویکرد نسل پنجم در دانشگاه‌های استان گیلان دارای ۵ بعد «بازتعریف دانشگاه به‌مثابه نهاد تمدن‌ساز حکمت‌بنیان در نسل پنجم، دانشگاه حکمت‌محور تمدن‌ساز، عوامل راهبردی توسعه دانشگاه حکمت‌بنیان، ابعاد اصلی دانشگاه حکمت‌بنیان و توسعه دانشگاه حکمت‌بنیان» است. همچنین رتبه‌بندی ابعاد دانشگاه حکمت بنیان با رویکرد نسل پنجم در دانشگاه‌های استان گیلان متفاوت است و بعد عوامل راهبردی توسعه دانشگاه حکمت‌بنیان با میانگین رتبه‌ای ۳/۳۳ در رتبه اول و بعد دانشگاه حکمت‌محور تمدن‌ساز با میانگین رتبه‌ای ۲/۶۳ در رتبه آخر قرار دارد.

نتیجه‌گیری: عوامل راهبردی توسعه دانشگاه حکمت‌بنیان یکی از مهمترین ابعاد دانشگاه حکمت بنیان با رویکرد نسل پنجم می‌باشد. ازاین‌رو، توجه به تدوین و اجرای راهبردهای متناسب با نیازهای جامعه و مأموریت‌های دانشگاه، برای توسعه این الگو ضروری است.

محمدمهدی زازلی، مظهر و عمو سلطانی فروشانی، محمدمهدی. (۱۴۰۳). شناسایی ابعاد دانشگاه حکمت بنیان با رویکرد نسل پنجم در دانشگاه‌های استان گیلان. *دانش و پژوهش در آموزش عالی نوین*، ۱(۳)، ۶۷-۸۰.

doi <http://10.22034/NHERK.2024.610304.1055>

حق نشر و حقوق کامل انتشار برای نویسندگان محفوظ است. © نویسندگان. این مقاله توسط مرکز انتشارات علیم نور منتشر شده است. این مقاله یک مقاله با دسترسی آزاد است که تحت مجوز Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) منتشر شده است.

در دنیای امروز، دانشگاه‌ها به عنوان نهادهای آموزشی و پژوهشی، نقش حیاتی در شکل‌گیری رفتارهای اخلاقی و اجتماعی افراد ایفا می‌کنند. با توجه به تحولات سریع در عرصه‌های مختلف علمی، فرهنگی و اجتماعی، ضرورت پرداختن به موضوعاتی همچون اخلاق در محیط‌های دانشگاهی بیش از پیش احساس می‌شود (باباخان و همکاران، ۲۰۲۴). طی ۴۰ سال گذشته تلاش‌های بسیار زیادی جهت اسلامی شدن دانشگاه‌ها توسط اساتید، پژوهشگران و مسئولان آموزش عالی ایران صورت پذیرفته و در ادامه راه برای تکمیل این تلاش‌ها و شکل‌گیری یک نظام منسجم و پیاده‌سازی کامل‌تر این موضوع مطابق تحقیقات یک دهه اخیر، نظام دانشگاه حکمت بنیان پیشنهاد شده است که تجلی معنویت، اخلاق و فرهنگ و ارزش‌های دینی و ملی می‌باشد (میری و همکاران، ۱۴۰۲).

دانشگاه حکیمانه می‌تواند با وقوع انقلابی فکری، فلسفی، و فرهنگی در نقش و مأموریت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، با اثرگذاری و تحول در هدف و روش آموزش، پژوهش، خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی و با کسب، توسعه، و پرورش حکمت در ذینفعان گوناگون خود، در دستیابی به جامعه و دنیایی حکیمانه نقشی حیاتی داشته باشد (صمدی میارکلایی و صمدی میارکلایی، ۱۳۹۸). دانشگاه حکیمانه گام بلندی است از دانش نظری و علمی مدرن و دانش فنی- فناوریانه به سمت چیزی که درست است و باید در دنیای واقع انجام شود تا نفع عامه را تأمین کند (ساری و همکاران، ۲۰۲۴). همچنین این دانشگاه برای واکنش به نیازها و مسائل فردی، سازمانی، اجتماعی، و بین‌المللی بشریت در دنیای امروز ضروری است و در تشخیص و فهم رویدادها، جریان‌ها، نیازها و مسائل فردی، سازمانی، اجتماعی، و بین‌المللی بشریت و ارائه راه‌حل‌های ممکن برای این مسائل تواناست (طاهری‌نیا و نامداری، ۱۴۰۱). دانشگاه‌های مبتنی بر حکمت می‌توانند با ادغام خرد در مأموریت‌های اصلی خود، ضمن حفظ ساختارهای علمی سنتی، چالش‌های اجتماعی را حل کنند. این تحول شامل تقویت همکاری با بخش‌های مختلف و تأکید بر استفاده اخلاقی از دانش است (عبدالمجید، ۲۰۲۵).

مأموریت اصلی دانشگاه حکمت بنیان، تربیت انسان‌های حکیم، توسط مراکز حکمت بنیان و در جهت خلق، نشر و تعالی فرهنگ علم و فناوری و در نهایت توسعه حکمت است (رحمانی و همکاران، ۱۴۰۱). دانشگاه حکمت بنیان با رویکرد نسل پنجم نقش مهمی در ارتقاء نوآوری و تحول در حوزه‌های مختلف علمی و فناوری دارند. این نوع دانشگاه‌ها می‌توانند زیرساخت‌ها و فرصت‌های مناسب برای آموزش پیشرفته و تخصصی فراهم نمایند و همچنین در توسعه علمی، فرهنگی، و اجتماعی جامعه نقش مهمی دارند و به پیشرفت کشور کمک می‌نمایند (ارجایا و همکاران، ۲۰۲۴).

نیازی و کارکنان نصرآبادی (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان «دانشگاه حکمت بنیان و نوآوری و اخلاقی» به این نتایج

دست یافتند که؛ دانشگاه از نسل‌های اول تا چهارم یا پنجم توسعه یافته‌اند که دانشگاه حکمت بنیان به عنوان دانشگاه نسل پنجم در تحقق نوآوری و کارآفرینی نقش انکارناپذیری دارد. زیرا آموزش، پژوهش، کارآفرینی، اخلاق مداری و کرامت انسانی مهمترین شاخص‌های دانشگاه حکمت بنیان است که حساس بودن به محیط زیست و ترکیب نوآوری با آموزش و پژوهش را مهمترین دغدغه خود می‌داند؛ محمدی‌نژاد و علیپور (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان «روش‌های نوین آموزش در دانشگاه حکمت بنیان (با نگاهی به نقش دانشگاه‌های غیردولتی» به این نتایج دست یافتند که؛ دانشگاه‌های غیر دولتی با وجود چالش‌های منابع مالی و معضلات دیگر، به دلیل انعطاف پذیری در تصمیم‌گیری‌های دور از بروکراسی و ارتباط مفید با ذی‌نفعان برنامه‌های آموزشی، نقشی کلیدی در تحول آموزش دانشگاه‌ها دارند؛ عبدالرزاق عبدالمجید (۲۰۲۵) در پژوهشی با عنوان «تفکر حکمت بنیاد و رابطه آن با هوش معنوی بر اساس الگوهای سلطه مغزی در میان دانشجویان دانشگاهی» به این نتایج دست یافت که؛ توسعه برنامه‌های آموزشی دانشگاهی با هدف ارتقاء تفکر حکیمانه و هوش معنوی، می‌تواند به رشد شخصیتی، اخلاقی و شناختی دانشجویان کمک کند و تسارکوس (۲۰۲۵) در پژوهشی با عنوان «ارائه چارچوبی برای پیاده‌سازی حکمت سازمانی در نظام‌های آموزشی: یک مرور نظام‌مند» به این نتایج دست یافت که؛ پنج مؤلفه اساسی خرد سازمانی در نظام‌های آموزشی (مدارس) تصمیم‌گیری جمعی، یادگیری سازمانی، انعکاس تجربیات، توجه به زمینه فرهنگی، تمرکز بر منافع بلندمدت می‌باشد.

با توجه به پژوهش‌های انجام شده، می‌توان گفت که در دانشگاه‌های ایران تلاش‌های بسیاری برای تحقق فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی شده است ولی برای پیاده‌سازی دانشگاه حکمت بنیان با رویکرد نسل پنجم، نظام منسجم عملیاتی پیشنهاد نشده است. بنابراین پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوال می‌باشد: ابعاد دانشگاه حکمت بنیان با رویکرد نسل پنجم در دانشگاه‌های استان گیلان کدامند؟

چهار فصل

این پژوهش، از نظر هدف کاربردی، از نظر نوع داده آمیخته (کیفی-کمی) از نوع اکتشافی و از نظر زمان گردآوری داده‌ها مقطعی می‌باشد. در بخش کیفی، از روش گراند تئوری و در بخش کمی از روش توصیفی-پیمایشی استفاده شد. جامعه آماری آن را در بخش کیفی اساتید و صاحب‌نظران دانشگاهی و مسئولین باسابقه در دانشگاه‌های استان گیلان که دارای مرتبه علمی دانشیار و بالاتر و دارای سابقه کاری بالای ۱۰ سال و در زمینه موضوع پژوهش خبره بودند به تعداد ۲۰ نفر و در بخش کمی، کلیه اعضای هیأت علمی، کارکنان آموزشی و اداری دانشگاه‌های استان گیلان به تعداد ۹۰۹۹ نفر تشکیل می‌دهند. در بخش کیفی با استفاده از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند و با در نظر گرفتن قانون اشباع ۱۰

نفر و در بخش کمی براساس فرمول کوکران تعداد ۳۶۹ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای برحسب پست سازمانی به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند.

ابزار گردآوری داده‌ها در بخش کیفی مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته می‌باشد که سوال‌های مصاحبه عبارتند از: تعریف شما از دانشگاه حکمت‌بنیان با رویکرد نسل پنجم چیست؟ از دیدگاه شما، دانشگاه حکمت‌بنیان با رویکرد نسل پنجم چه مفهومی را تداعی می‌کند؟ از دیدگاه شما عوامل موثر بر توسعه دانشگاه حکمت‌بنیان با رویکرد نسل پنجم چه مواردی می‌باشد؟ و ابعاد و مولفه‌های اصلی دانشگاه حکمت‌بنیان با رویکرد نسل پنجم کدامند؟ پژوهشگر پس از هماهنگی‌های لازم در محل کار مصاحبه‌شونده حضور یافته و با استفاده از ضبط صوت و با کسب اجازه از مصاحبه‌شونده مکالمات مصاحبه را ضبط کرد تا کدها را استخراج کند و البته این عمل بعد از هر بار مصاحبه صورت گرفت و پژوهشگر در مصاحبه ۱۱ و ۱۲ دریافت که کد جدیدی به کدهای قبلی اضافه نشد، بنابراین فرایند مصاحبه با مصاحبه‌شونده‌های بعدی ادامه نیافت و بخش کیفی به همان ۱۰ نفر اکتفا شد، البته به غیر از پژوهشگر یک متخصص آمار و یکی از اساتید دانشگاه درباره کدها نظر دادند. در حین مصاحبه به جمع‌آوری نظرات در مورد شاخص، مولفه‌ها و ابعاد دانشگاه حکمت‌بنیان با رویکرد نسل پنجم پرداخته شد و عوامل اصلی بررسی و نهایی شد. شایان ذکر است که مدت زمان انجام مصاحبه بین ۳۰ تا ۹۰ دقیقه بود و در زمستان سال ۱۴۰۳ و بهار سال ۱۴۰۴ انجام شد.

ابزار گردآوری داده‌ها در بخش کمی پرسش‌نامه محقق ساخته می‌باشد که این پرسش‌نامه دارای ۷۰ سوال و ۵ بعد «بازتعریف دانشگاه به مثابه نهاد تمدن‌ساز حکمت‌بنیان در نسل پنجم، دانشگاه حکمت‌محور تمدن‌ساز، عوامل راهبردی توسعه دانشگاه حکمت‌بنیان، ابعاد اصلی دانشگاه حکمت‌بنیان و توسعه دانشگاه حکمت‌بنیان» و ۱۳ مولفه «تعامل علم و حکمت با محوریت ارزش‌ها و معنویت، کارکرد تمدن‌ساز و آینده‌نگر دانشگاه تکنولوژی آموزشی، تربیت انسان چندبعدی (علمی، اخلاقی، معنوی)، نظام حکمت‌محور علم و عقلانیت، جهت‌گیری تمدن‌ساز و تربیتی دانشگاه، زیرساخت‌های معرفتی و فرهنگی، تحول در ساختارها و سیاست‌ها، معرفتی (علمی)، تربیتی، تمدنی و اجتماعی، سیاست‌گذاری و مدیریتی، علمی و پژوهشی، تربیتی و اجتماعی» می‌باشد و در طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد) طراحی و تنظیم شده و به ترتیب از ۱ تا ۵ نمره‌گذاری می‌شود.

روایی صوری و محتوایی ابزار به تایید خبرگان رسید و روایی سازه آن با استفاده از مدل اندازه‌گیری معادلات ساختاری مورد تایید قرار گرفت. با استفاده از تحلیل عامل تاییدی مشخص شد که آیا سوالات طراحی شده در هر سازه واقعاً می‌تواند سازه مورد نظر را بسنجد. برای داشتن روایی باید بین سازه و بعد و بین بعد و شاخص‌های مرتبط با آن همبستگی معناداری

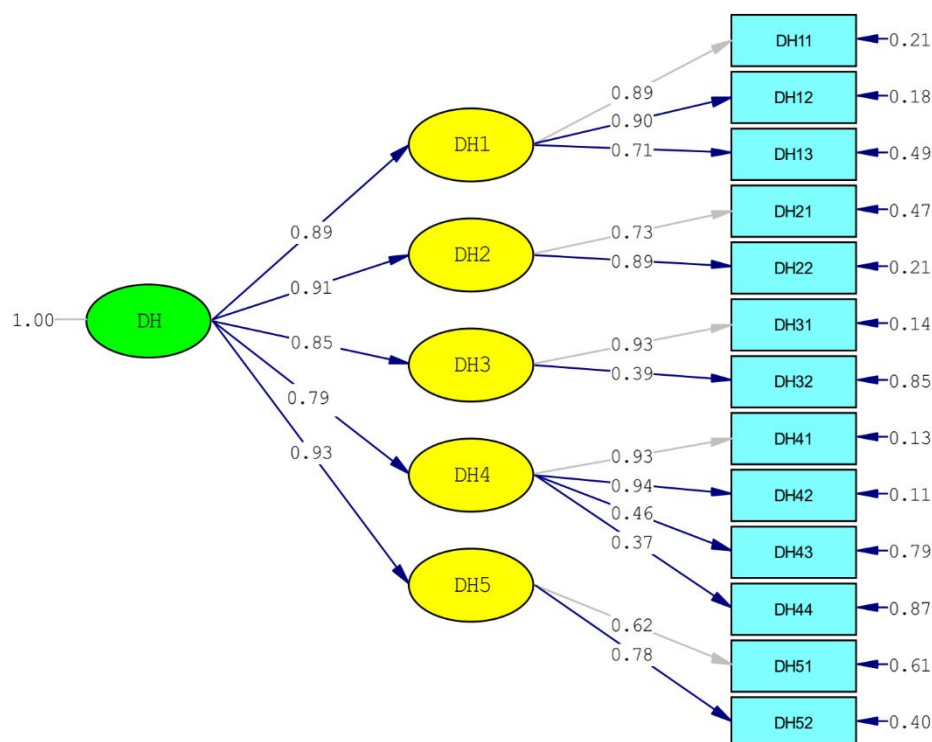
وجود داشته باشد و میزان روابط بالاتر از ۰/۵ باشد، در این صورت می‌توان گفت که سوالات مورد نظر از قدرت تبیین خوبی برخوردار هستند. با توجه به نتایج تحلیل عاملی تاییدی مندرج در جدول ۲، میزان بارعاملی تمامی سوالات بالای ۰/۵ و مقادیر t -value نیز بیشتر از ۱/۹۶ می‌باشد و مقدار کای دو به درجه آزادی (χ^2/df)، شاخص جذر برآورد واریانس خطای تقریب و ضریب نیکویی برازش دارای مقادیر مناسب می‌باشند که نشان می‌دهند تحلیل عاملی تاییدی سازه‌های پرسش‌نامه دارای برازش مناسب بوده و سازه‌های پرسش‌نامه به خوبی متغیرهای مربوطه را نشان می‌دهد. لذا روایی سازه ابزار مورد تایید می‌باشد. پایایی ابزارها از طریق ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد. مقادیر این ضریب برای همه متغیرهای پژوهش بالای ۰/۷ به دست آمد که نشان‌دهنده پایا بودن ابزار اندازه‌گیری است.

جدول ۱: پایایی ابزارهای گردآوری داده‌ها

متغیرهای پژوهش	آلفای کرونباخ
دانشگاه حکمت بنیان با رویکرد نسل پنجم	۰/۹۶۱
بازتعریف دانشگاه به مثابه نهاد تمدن‌ساز حکمت‌بنیان در نسل پنجم	۰/۸۷۹
دانشگاه حکمت‌محور تمدن‌ساز	۰/۹۲۶
عوامل راهبردی توسعه دانشگاه حکمت‌بنیان	۰/۸۵۴
ابعاد اصلی دانشگاه حکمت‌بنیان	۰/۹۲۶
توسعه دانشگاه حکمت‌بنیان	۰/۹۰۷

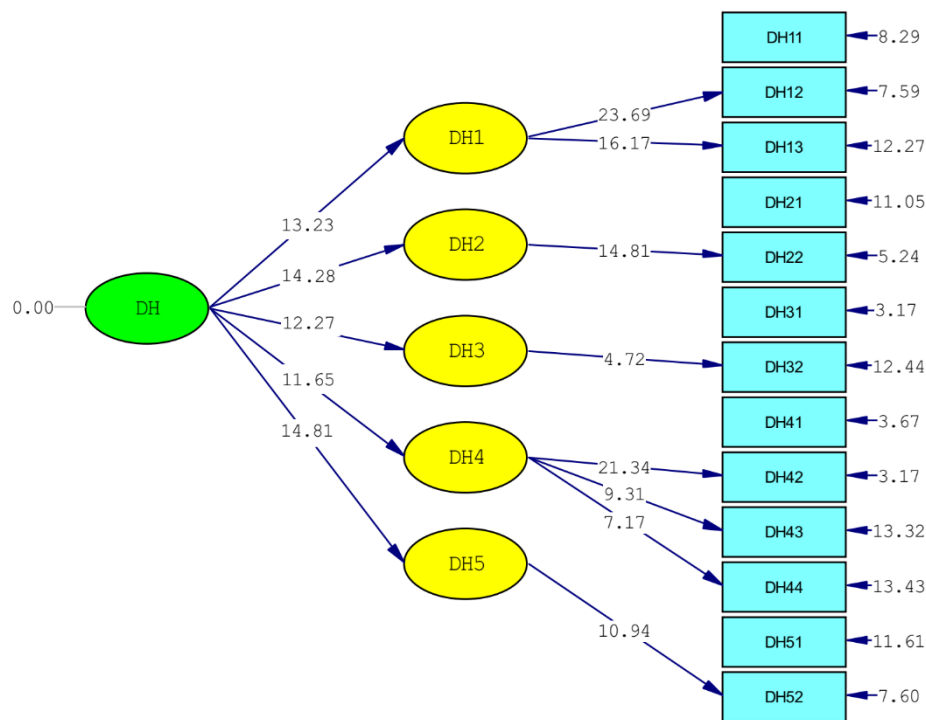
تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کیفی با کدگذاری نظری بر اساس روش نظریه‌پردازی داده بنیاد انجام شد. این روش شامل تجزیه، مفهوم‌سازی و سازمان‌دهی مجدد داده‌ها برای تدوین نظریه است. سه رکن اصلی این شیوه مفاهیم، مقوله‌ها و قضیه‌ها هستند که بر پایه داده‌های خام شکل می‌گیرند. فرآیند تحلیل داده‌ها شامل وابستگی متقابل بین جمع‌آوری، تنظیم و تحلیل داده‌ها است. برای تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه و مبانی نظری، از سه نوع کدگذاری استفاده شد: ۱- کدگذاری باز - شناسایی و دسته‌بندی مفاهیم اولیه، ۲- کدگذاری محوری - برقراری ارتباط بین مفاهیم، ۳- کدگذاری انتخابی - یکپارچه‌سازی مفاهیم برای ایجاد نظریه. در بخش کمی برای بررسی سوال‌های پژوهش از آزمون‌های تحلیل عاملی تاییدی و فریدمن استفاده شده است. همچنین تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و LISREL انجام گرفت.

در بخش کیفی براساس اطلاعات به دست آمده از طریق مصاحبه با خبرگان و اجرای تحلیل گراند تئوری و تحلیل محتوای مصاحبه‌های پیاده شده و تایپ شده با خبرگان و اختصاص کد جهت شناسایی مضامین مشترک برای تهیه پرسش‌نامه دانشگاه حکمت بنیان با رویکرد نسل پنجم، پس از اجرای فرایند تلفیق شاخص‌ها، تعداد ۷۰ شاخص در ۵ بعد «بازتعریف دانشگاه به مثابه نهاد تمدن‌ساز حکمت‌بنیان در نسل پنجم، دانشگاه حکمت‌محور تمدن‌ساز، عوامل راهبردی توسعه دانشگاه حکمت‌بنیان، ابعاد اصلی دانشگاه حکمت‌بنیان و توسعه دانشگاه حکمت‌بنیان» مورد شناسایی و تأیید قرار گرفت که کمترین میزان توافق با گویه‌های مطرح شده از جانب خبرگان، ۷ و بیشترین میزان موافقت ۱۰ بوده است. ادامه در نمودارهای ۱ و ۲ و جدول ۲ نتایج تحلیل عاملی تأییدی نشان داده شده است.



Chi-Square=174.01, df=60, P-value=0.00000, RMSEA=0.072

نمودار ۱: برآورد ضرایب استاندارد در مدل



Chi-Square=174.01, df=60, P-value=0.00000, RMSEA=0.072

نمودار ۲: برآورد ضرایب آزمون t در مدل

جدول ۲: نتایج حاصل از یافته‌های تحلیل عاملی تاییدی برای متغیر دانشگاه حکمت بنیان با رویکرد نسل پنجم در

سطح معناداری ۰/۰۵

ردیف	متغیرها	کد متغیر	آماره t	ضریب استاندارد
۱	بازتعریف دانشگاه به‌مثابه نهاد تمدن‌ساز حکمت‌بنیان در نسل پنجم	DH۱	۱۳/۲۳	۰/۸۹
۲	دانشگاه حکمت‌محور تمدن‌ساز	DH۲	۱۴/۲۸	۰/۹۱
۳	عوامل راهبردی توسعه دانشگاه حکمت‌بنیان	DH۳	۱۲/۲۷	۰/۸۵
۴	ابعاد اصلی دانشگاه حکمت‌بنیان	DH۴	۱۱/۶۵	۰/۷۹
۵	توسعه دانشگاه حکمت‌بنیان	DH۵	۱۴/۸۱	۰/۹۳

نتایج تحلیل عاملی تاییدی مندرج در جدول ۲ نشان می‌دهد که؛ در سطح اطمینان ۹۹٪ مقادیر t -value برای ابعاد دانشگاه خدمت محور با رویکرد نسل پنجم، در خارج بازه‌ی $(-2/58, 2/58)$ قرار دارند و میزان ضریب استاندارد برای هر بعد بالاتر از $0/70$ می‌باشد؛ لذا بین متغیر دانشگاه حکمت بنیان با رویکرد نسل پنجم با همه ابعاد آن رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بالاترین ضریب استاندارد مربوط به بعد توسعه دانشگاه حکمت بنیان $(0/79)$ است. برای رتبه‌بندی ابعاد دانشگاه حکمت بنیان با رویکرد نسل پنجم در دانشگاه‌های استان گیلان از آزمون فریدمن استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: رتبه بندی ابعاد دانشگاه حکمت بنیان با رویکرد نسل پنجم در دانشگاه‌های استان گیلان

متغیر	تعداد	آماره خی دو	درجه آزادی	سطح معناداری	میانگین	انحراف معیار	میانگین رتبه‌ای	رتبه
بازتعریف دانشگاه به‌مثابه								
نهاد تمدن‌ساز حکمت بنیان					۳/۸۴	۰/۵۹۱	۲/۷۳	۴
در نسل پنجم								
دانشگاه حکمت محور					۳/۷۰	۰/۸۴۰	۲/۶۳	۵
تمدن‌ساز	۳۶۹	۵۷/۹۷۶	۴	۰/۰۰۰				
عوامل راهبردی توسعه					۳/۹۳	۰/۶۳۸	۳/۳۳	۱
دانشگاه حکمت بنیان								
ابعاد اصلی دانشگاه					۳/۹۲	۰/۶۵۵	۳/۲۵	۲
حکمت بنیان								
توسعه دانشگاه حکمت بنیان					۳/۸۳	۰/۶۹۸	۳/۰۵	۳

مطابق جدول ۳ چون در سطح اطمینان ۹۵٪ و خطای اندازه گیری $\alpha=0/05$ سطح معناداری کوچک‌تر از $0/05$ محاسبه شد، لذا تفاوت معناداری در میانگین رتبه‌ای ابعاد دانشگاه حکمت بنیان با رویکرد نسل پنجم وجود دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که؛ رتبه‌بندی ابعاد دانشگاه حکمت بنیان با رویکرد نسل پنجم در دانشگاه‌های استان گیلان متفاوت است و بعد عوامل راهبردی توسعه دانشگاه حکمت بنیان با میانگین رتبه‌ای $3/33$ در رتبه اول و بعد دانشگاه حکمت محور تمدن‌ساز با میانگین رتبه‌ای $2/63$ در رتبه آخر قرار دارد. لذا رتبه‌بندی ابعاد دانشگاه حکمت بنیان با رویکرد نسل پنجم در دانشگاه‌های استان گیلان به ترتیب عبارتند از: عوامل راهبردی توسعه دانشگاه حکمت بنیان، ابعاد اصلی دانشگاه حکمت بنیان، توسعه دانشگاه حکمت بنیان، بازتعریف دانشگاه به‌مثابه نهاد تمدن‌ساز حکمت بنیان در نسل پنجم و دانشگاه حکمت محور تمدن‌ساز.

برای رتبه‌بندی مولفه‌های دانشگاه حکمت بنیان با رویکرد نسل پنجم در دانشگاه‌های استان گیلان از آزمون فریدمن استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴: رتبه‌بندی مولفه‌های دانشگاه حکمت بنیان با رویکرد نسل پنجم در دانشگاه‌های استان گیلان

رتبه	میانگین رتبه‌ای	انحراف معیار	میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	آماره خی دو	تعداد	متغیر
۱	۸/۴۹	۰/۶۰۱	۴/۰۸					تعامل علم و حکمت با
								محوریت ارزش‌ها و معنویت
۹	۶/۵۷	۰/۶۳۲	۳/۸۰					کارکرد تمدن‌ساز و آینده‌نگر
								دانشگاه تکنولوژی آموزشی
۱۲	۵/۳۳	۰/۷۵۸	۳/۶۱					تربیت انسان چندبعدی
								(علمی، اخلاقی، معنوی)
۱۰	۶/۲۴	۱/۰۲۶	۳/۷۹					نظام حکمت‌محور علم و
								عقلانیت
۱۳	۵/۰۹	۰/۸۲۲	۳/۶۰					جهت‌گیری تمدن‌ساز و تربیتی
								دانشگاه
۲	۸/۳۱	۰/۶۰۴	۴/۰۵	۰/۰۰۰	۱۲	۲۱۹/۱۱۲	۳۶۹	زیرساخت‌های معرفتی و
								فرهنگی
۸	۷/۱۸	۰/۹۳۷	۳/۸۲					تحول در ساختارها و
								سیاست‌ها
۷	۷/۲۰	۰/۸۰۱	۳/۸۷					معرفتی (علمی)
۵	۷/۵۴	۰/۸۳۰	۳/۹۰					تربیتی
۳	۸	۰/۷۵۱	۴/۰۴					تمدنی و اجتماعی
۶	۷/۳۸	۰/۸۶۷	۳/۸۸					سیاست‌گذاری و مدیریتی
۴	۷/۶۶	۰/۸۹۰	۳/۹۵					علمی و پژوهشی
۱۱	۶/۰۹	۰/۷۴۵	۳/۷۳					تربیتی و اجتماعی

مطابق جدول ۴ چون در سطح اطمینان ۹۵٪ و خطای اندازه‌گیری $\alpha=0/05$ سطح معناداری کوچک‌تر از ۰/۰۵ محاسبه شد، لذا تفاوت معناداری در میانگین رتبه‌ای مولفه‌های دانشگاه حکمت بنیان با رویکرد نسل پنجم وجود دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که؛ رتبه‌بندی مولفه‌های دانشگاه حکمت بنیان با رویکرد نسل پنجم در دانشگاه‌های استان گیلان

متفاوت است و مولفه تعامل علم و حکمت با محوریت ارزش‌ها و معنویت با میانگین رتبه‌ای ۸/۴۹ در رتبه اول و بعد جهت‌گیری تمدن‌ساز و تربیتی دانشگاه با میانگین رتبه‌ای ۵/۰۹ در رتبه آخر قرار دارد. لذا رتبه‌بندی مولفه‌های دانشگاه حکمت بنیان با رویکرد نسل پنجم در دانشگاه‌های استان گیلان به ترتیب عبارتند از: تعامل علم و حکمت با محوریت ارزش‌ها و معنویت، زیرساخت‌های معرفتی و فرهنگی، تمدنی و اجتماعی، علمی و پژوهشی، تربیتی، سیاست‌گذاری و مدیریتی، معرفتی (علمی)، تحول در ساختارها و سیاست‌ها، کارکرد تمدن‌ساز و آینده‌نگر دانشگاه تکنولوژی آموزشی، نظام حکمت‌محور علم و عقلانیت، تربیتی و اجتماعی، تربیت انسان چندبعدی (علمی، اخلاقی، معنوی) و جهت‌گیری تمدن‌ساز و تربیتی دانشگاه.

نتایج و بحث

دانشگاه حکمت بنیان با رویکرد نسل پنجم نقش مهمی در ارتقاء نوآوری و تحول در حوزه‌های مختلف علمی و فناوری دارند. این نوع دانشگاه‌ها می‌توانند زیرساخت‌ها و فرصت‌های مناسب برای آموزش پیشرفته و تخصصی فراهم نمایند و همچنین در توسعه علمی، فرهنگی، و اجتماعی جامعه نقش مهمی دارند و به پیشرفت کشور کمک می‌نمایند. بنابراین در این پژوهش، شناسایی ابعاد دانشگاه حکمت بنیان با رویکرد نسل پنجم در دانشگاه‌های استان گیلان مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج این پژوهش نشان داد که؛ دانشگاه حکمت‌بنیان با رویکرد نسل پنجم در دانشگاه‌های استان گیلان دارای ۵ بعد «بازتعریف دانشگاه به مثابه نهاد تمدن‌ساز حکمت‌بنیان در نسل پنجم، دانشگاه حکمت‌محور تمدن‌ساز، عوامل راهبردی توسعه دانشگاه حکمت‌بنیان، ابعاد اصلی دانشگاه حکمت‌بنیان و توسعه دانشگاه حکمت‌بنیان» و ۱۳ مولفه «تعامل علم و حکمت با محوریت ارزش‌ها و معنویت، کارکرد تمدن‌ساز و آینده‌نگر دانشگاه تکنولوژی آموزشی، تربیت انسان چندبعدی (علمی، اخلاقی، معنوی)، نظام حکمت‌محور علم و عقلانیت، جهت‌گیری تمدن‌ساز و تربیتی دانشگاه، زیرساخت‌های معرفتی و فرهنگی، تحول در ساختارها و سیاست‌ها، معرفتی (علمی)، تربیتی، تمدنی و اجتماعی، سیاست‌گذاری و مدیریتی، علمی و پژوهشی، تربیتی و اجتماعی» می‌باشد. این یافته با نتایج پژوهش‌های نیازی و کارکنان نصرآبادی (۱۴۰۳) که نشان دادند پژوهش و اخلاق مداری از مهمترین شاخص‌های دانشگاه حکمت بنیان است؛ میری و همکاران (۱۴۰۲) که نشان دادند تمدن‌سازی دانشگاه‌ها از اصول و مبانی دانشگاه حکمت بنیان است و افشار (۱۴۰۲) که نشان داد ارزش‌های اخلاقی و معنوی از ابعاد دانشگاه حکمت بنیان می‌باشد؛ در یک راستا قرار دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که؛ دانشگاه به عنوان یک نهاد تمدن‌ساز، باید فراتر از ارائه آموزش و پژوهش، به انتقال و ترویج ارزش‌های انسانی، اخلاقی و حکمت‌محور

بپردازد. این دانشگاه باید به تولید دانش و فرهنگ کمک کند که به توسعه پایدار و ارتقاء کیفیت زندگی در جامعه منجر شود. بازتعریف دانشگاه به این شکل به معنای ایجاد یک محیط یادگیری است که در آن دانشجویان و اساتید به عنوان کنشگران اجتماعی، مسئولیت‌های خود را در برابر جامعه به‌خوبی درک کنند. دانشگاه حکمت‌محور تمدن‌ساز به تأکید بر حکمت و ارزش‌های انسانی در فرآیندهای آموزشی و پژوهشی می‌پردازد. دانشگاه باید به‌عنوان یک نهاد حکمت‌محور، به تربیت افرادی بپردازد که درک عمیق‌تری از معانی و مفاهیم انسانی داشته و به حل مشکلات اجتماعی و فرهنگی بپردازند. این رویکرد نیازمند طراحی برنامه‌های آموزشی است که تفکر انتقادی، خلاقیت و اخلاق را در دانشجویان تقویت کند. دانشگاه حکمت‌محور باید توانایی ایجاد فضایی را داشته باشد که در آن دانشجویان به بررسی عمیق‌تری از مسائل انسانی و اجتماعی بپردازند. عوامل راهبردی توسعه دانشگاه حکمت‌بنیان شامل سیاست‌ها و اقدامات کلیدی است که برای تحقق اهداف دانشگاه حکمت‌بنیان ضروری است. این عوامل می‌توانند شامل توسعه رهبری اخلاقی، فراهم کردن منابع مالی و زیرساختی و ایجاد شبکه‌های همکاری باشند. ابعاد اصلی دانشگاه حکمت‌بنیان عبارتند از: آموزش و پژوهش؛ تأکید بر آموزش‌های چندرشته‌ای و پژوهش‌های کاربردی که به حل مشکلات جامعه کمک کند؛ خدمات اجتماعی؛ مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها در ارائه خدمات به جامعه و پاسخ به نیازهای آن و توسعه پایدار؛ توجه به حفظ محیط زیست و توسعه پایدار در تمامی فعالیت‌های دانشگاه. توسعه دانشگاه حکمت‌بنیان به فرآیندهای توسعه در دانشگاه‌ها می‌پردازد که می‌تواند شامل: توسعه فرهنگی و اجتماعی، توسعه فناوری و پایداری و مسئولیت اجتماعی باشد. مدل دانشگاه حکمت‌بنیان با رویکرد نسل پنجم، به‌عنوان یک چارچوب نوآورانه، می‌تواند به تغییرات اساسی در نظام آموزش عالی کمک کند. با تأکید بر حکمت، اخلاق و مسئولیت اجتماعی، این دانشگاه‌ها نه تنها به تولید علم می‌پردازند، بلکه به‌عنوان نهادهای تمدن‌ساز، به ارتقاء کیفیت زندگی و توسعه پایدار در جامعه کمک می‌کنند. این ابعاد، به‌طور متقابل بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و ایجاد یک محیط یادگیری و پژوهش پویا و مؤثر را ممکن می‌سازند. در نهایت، این رویکرد می‌تواند به تربیت نسلی متعهد و مسئول در جامعه منجر شود که به دنبال تحقق اهداف انسانی و اجتماعی است. لذا شناسایی ابعادی چون بازتعریف دانشگاه به‌مثابه نهاد تمدن‌ساز حکمت‌بنیان در نسل پنجم، دانشگاه حکمت‌محور تمدن‌ساز، عوامل راهبردی توسعه دانشگاه حکمت‌بنیان، ابعاد اصلی دانشگاه حکمت‌بنیان و توسعه دانشگاه حکمت‌بنیان به عنوان ابعاد دانشگاه حکمت بنیان با رویکرد نسل پنجم منطقی به نظر می‌رسد.

از دیگر یافته‌های پژوهش حاضر این است که؛ رتبه‌بندی ابعاد دانشگاه حکمت بنیان با رویکرد نسل پنجم در دانشگاه‌های استان گیلان متفاوت است و بعد عوامل راهبردی توسعه دانشگاه حکمت‌بنیان در رتبه اول و بعد دانشگاه

حکمت‌محور تمدن‌ساز در رتبه آخر قرار دارد. لذا رتبه‌بندی ابعاد دانشگاه حکمت بنیان با رویکرد نسل پنجم در دانشگاه‌های استان گیلان به ترتیب عبارتند از: عوامل راهبردی توسعه دانشگاه حکمت بنیان، ابعاد اصلی دانشگاه حکمت بنیان، توسعه دانشگاه حکمت بنیان، بازتعریف دانشگاه به مثابه نهاد تمدن‌ساز حکمت بنیان در نسل پنجم و دانشگاه حکمت‌محور تمدن‌ساز. در تبیین این یافته می‌توان گفت که؛ یکی از عوامل کلیدی در توسعه دانشگاه حکمت بنیان، وجود رهبری قوی و حکمت‌محور است. مدیران دانشگاه باید از توانایی‌های رهبری اخلاقی برخوردار باشند تا بتوانند فرهنگ حکمت و ارزش‌های انسانی را در دانشگاه ترویج دهند. این رهبری باید به ایجاد فضایی انگیزشی و مشارکتی کمک کند که در آن تمامی اعضای دانشگاه (اساتید، کارکنان، و دانشجویان) به عنوان کنشگران فعال در فرآیند یادگیری و پژوهش در نظر گرفته شوند. از طرفی برنامه‌های آموزشی و پژوهشی باید بر مبنای ارزش‌های حکمت‌محور طراحی شوند. این برنامه‌ها باید به دانشجویان ابزارهای لازم برای تفکر انتقادی و حل مسائل اجتماعی را ارائه دهند. همچنین، پژوهش‌های کاربردی که به چالش‌های جامعه پاسخ می‌دهند، باید در دستور کار قرار گیرند. این امر به ایجاد ارتباط نزدیک‌تری میان دانشگاه و جامعه منجر خواهد شد. همچنین ایجاد فرهنگ همکاری و مشارکت بین اعضای دانشگاه و نهادهای اجتماعی از دیگر عوامل راهبردی است. دانشگاه باید به عنوان یک نهاد باز و مشارکتی عمل کند که در آن تبادل دانش و تجربیات به راحتی صورت گیرد. این فرهنگ می‌تواند به تقویت روابط بین‌رشته‌ای و همکاری‌های بین‌المللی کمک کند و به ایجاد شبکه‌های علمی و اجتماعی قوی‌تر منجر شود. از سویی دیگر دانشگاه‌ها باید به مسئولیت اجتماعی خود توجه داشته باشند و برای حل مشکلات جامعه و ارتقاء کیفیت زندگی در آن تلاش کنند. این مسئولیت شامل فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی است که می‌تواند به بهبود رفتارهای اخلاقی و اجتماعی اساتید و دانشجویان کمک کند. دانشگاه‌های حکمت بنیان باید با توجه به نیازهای محلی و ملی، برنامه‌های خود را طراحی کنند. عوامل راهبردی توسعه دانشگاه حکمت بنیان به عنوان مهمترین ابعاد این مدل، نه تنها به بهبود کیفیت آموزش و پژوهش کمک می‌کند، بلکه به ایجاد یک محیط اجتماعی و فرهنگی مثبت در دانشگاه‌ها نیز منجر خواهد شد. این عوامل به طور متقابل بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و به دانشگاه‌ها این امکان را می‌دهند که به عنوان نهادهای تمدن‌ساز در جامعه عمل کنند. در نهایت، با توجه به چالش‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی امروز، دانشگاه‌های حکمت بنیان باید به عنوان مراکزی برای تربیت نسل‌های آینده و پاسخ به نیازهای جامعه عمل کنند. این رویکرد می‌تواند به ایجاد تغییرات مثبت و پایدار در جامعه کمک کند و به ارتقاء کیفیت زندگی انسان‌ها منجر شود. در پایان با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر به مسئولان و مدیران دانشگاه‌های استان گیلان پیشنهاد می‌شود که با برنامه‌ریزی‌های علمی و منسجم نسبت به نهادینه سازی دانشگاه حکمت بنیان با رویکرد نسل پنجم در دانشگاه‌ها همت گمارند تا از این طریق موجب بهبود عملکرد دانشگاه شوند.

- افشار، لیلا (۱۴۰۲). اخلاق و معنویت سنگ بنای دانشگاه حکمت بنیان. *فصلنامه نفس*، ۱۰ (۳)، ۵۶-۶۰.
- رحمانی، نیره؛ زاهدی وفا، زهرا؛ یزدی زاده، سارا (۱۴۰۱). نسبت اصول برنامه ریزی درسی و تربیتی مدرسه حکمت بنیان با سند برنامه درسی ملی: مطالعه موردی مکتب اسلامی سبزوار. *فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۷ (۳)، ۶۵-۸۷.
- صمدی میارکلائی، حمزه؛ صمدی میارکلائی، حسین (۱۳۹۸). در مسیر دانشگاه حکیمانه: سومین انقلاب علمی - دانشگاهی. *فصلنامه سیاست نامه علم و فناوری*، ۹ (۲)، ۴۳-۶۵.
- طاهری نیا، علی باقر؛ نامداری پژمان، مهدی (۱۴۰۱). تحقق مرجعیت علمی در بافتار نسل ان‌ام دانشگاهی. *فصلنامه رهیافت*، ۳۲ (۳)، ۹۱-۱۰۰.
- محمدی نژاد، قاسم؛ علیپور، صدیقه (۱۴۰۳). روش‌های نوین آموزش در دانشگاه حکمت بنیان (با نگاهی به نقش دانشگاه‌های غیر دولتی). *اولین همایش ملی نقش دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی غیر دولتی در تحول نظام آموزش عالی با تاکید بر دانشگاه حکمت بنیان و تمدن ساز، تهران*.
- میری، امیر؛ عباس پور، عباس؛ خورسندی، علی؛ خرمشاد، محمدباقر (۱۴۰۲). راهبردهای آموزش در دانشگاه حکمت بنیان. *راهبردهای آموزش، مجله راهبردهای آموزش در علوم پزشکی*، ۱۶ (۱)، ۲۱-۳۱.
- نیازی، محسن؛ کارکنان نصرآبادی، محمد (۱۴۰۳). دانشگاه حکمت بنیان و نوآوری و خلاقیت. *اولین همایش ملی نقش دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی غیر دولتی در تحول نظام آموزش عالی با تاکید بر دانشگاه حکمت بنیان و تمدن ساز، تهران*.
- Abd Elrazzak Abd Elmageed, N. (2025). Wisdom-Based Thinking and it's Relationship to Spiritual intelligence according to Brain Dominance Patterns among University Students. *Journal of Faculty of Education-Assiut University*, 41(3), 1-114
- Arjaya, I. B. A., Suastra, I. W., Redhana, I. W & .Sudiatmika, A. A. I. A. R. (2024). Global trends in local wisdom integration in education: A comprehensive bibliometric mapping analysis from 2020 to 2024. *International Journal of Learning, Teaching and Educational Research*, 23(7), 120-140.
- Babakhan, A., Shafia, M. A., Atani, A. A. R., & Aliahmadi, A. (2024). Selecting the Best Theory to Explain the Formation of Different Universities Based on Sadra's Philosophy. *International Journal of Economics, Management and Accounting*, 32(1), 169-202.
- Sari, I., Damaiyanti, M., Tien, C. Y., & Tatalia, R. G. (2024). A Critical Discourse Analysis on Local Wisdom-Based English Teaching in Vocational Universities: Lecturers' and Students' Insights. *Jurnal Gramatika: Jurnal Penelitian Pendidikan Bahasa Dan Sastra Indonesia*, 10(2), 237-255.
- Tsarkos, A. (2025). Integrating Organizational Wisdom in Middle Level Schools: An Integrative Literature Review. *RMLE Online*, 48(3), 1-24.